

تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی و هدیه‌های آسمان دوره آموزش ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های حقوق کودک

یحیی قاندى*

حسین چهارباشلو**، فاطمه خوشنویسان***

چکیده

در پژوهش حاضر محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی و هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی به لحاظ میزان توجه به مؤلفه‌های حقوق کودک بررسی شده است. در راستای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از کتاب‌های درسی جهت به دست آوردن ضریب اهمیت هریک از مؤلفه‌ها، از روش آنتروپی شانون استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهشی بیشترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه حق زیست و رشد با ضریب ۰/۱۳۸ و کمترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه رعایت منافع کودکان با ضریب صفر است. همچنین، نتایج بر حسب پایه‌ها نشان داد بیشترین ضریب اهمیت مربوط به پایه چهارم با ضریب ۰/۱۵۳ و کمترین ضریب اهمیت مربوط به پایه ششم با ضریب ۰/۰۵۱ است. سرانجام، بر اساس اصول جامعیت، مداومت، مشارکت و عملی‌بودن مؤلفه‌ها (نکات مدنظر دیویی) نتیجه می‌گیریم که در تنظیم محتوای این کتاب‌ها این اصول رعایت نشده است.

کلیدواژه‌ها: حقوق کودک، تحلیل محتوا، کتاب درسی، دوره ابتدایی.

* دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) yahya.ghaedy@yahoo.com

** دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشگاه خوارزمی Hossein.charbashlu@gmail.com

*** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه اصفهان Fatemeh.khoshnevisan@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۹

۱. مقدمه

در ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیمان‌نامه ۵۴ ماده‌ای حقوق کودک (Convention on the Rights of the Child (CRC)) را با عضویت بیش از ۱۸۰ کشور به تصویب رساند. این پیمان‌نامه به منظور حمایت و محافظت از حقوق کودکان در برابر تمامی اشکال خشونت، استثمار، سوءاستفاده و بهره‌برداری است و همچنین، بر حق تأمین بهداشت، دسترسی آزاد به اطلاعات، آموزش و پرورش رایگان و حق مشارکت کودکان نیز تأکید دارد (Moosa-mita, 2005).

با توجه به آمار یونسکو، بیش از ۲ میلیون کودک طی جنگ در ده سال گذشته کشته شده‌اند و ۱۰ میلیون کودک در سراسر جهان به دلیل پیامدهای ناشی از جنگ از اختلالات شدید روانی رنج می‌برند (Özmen et al., 2010). افزون بر این، ۲۵۰ میلیون کودک در جهان کار می‌کنند، ۱۳۰ میلیون کودک شش تا یازده ساله از تحصیل محروم‌اند، ۱۴ میلیون نفر در جهان از بیماری ایدز کشته شده‌اند که ۲۵٪ آن‌ها کودک بوده‌اند و ۲۹٪ کودکان زیر پنج سال از سوء تغذیه رنج می‌برند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۱). تمامی عوامل مذکور به ضرورت تصویب سندی خاص به غیر از «اعلامیه جهانی حقوق بشر» تأکید می‌کند؛ تصویب سندی که صریحاً به تمامی نیازهای کودکان توجه داشته باشد.

پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک الهام‌بخش تغییرات بنیادین در قوانین، برنامه‌ها و سیاست‌های بسیاری از کشورها برای بهبود زندگی کودکان است. در این پیمان‌نامه، سعی شده است به تمامی مسائل مربوط به رشد کودکان در زمینه‌های جسمی، ذهنی، روانی و اجتماعی توجه شود (قاضی، ۱۳۶۹). همچنین، بر یافتن راه‌حل‌ها و اقداماتی در راستای پایان دادن به شرایط نقض حقوق کودکان بسیار تأکید شده است. بر همین اساس، در این پیمان‌نامه، رسماً از دولت‌ها، مقامات محلی، سازمان‌های داوطلب و عموم افراد جامعه و والدین خواسته شده است این حقوق را به رسمیت بشناسند و در جهت رعایت و ترویجشان اهتمام ورزند. همچنین، بر اساس ماده ۴۲ پیمان‌نامه، بر چگونگی اجرای پیمان‌نامه از طریق دولت و نحوه تعاملش با دیگر سازمان‌ها در جهت شناساندن مؤلفه‌های حقوق کودک به عموم مردم، به ویژه کودکان، تأکید شده است.

یکی از نهادهایی که در این زمینه نقش اساسی ایفا می‌کند، نهاد آموزش و پرورش است. مهم‌ترین رسالت آموزش و پرورش در کشورها آماده کردن دانش‌آموزان برای پذیرفتن نقش‌های گوناگون اجتماعی و مشارکت فعال در جامعه است. بنابراین، آگاه بودن

دانش‌آموزان به حقوق کودک به ساخت جامعه‌ای سالم‌تر کمک بسزایی می‌کند (زینالی، ۱۳۸۹). در این میان، برنامه‌درسی، به‌منزله قلب نظام آموزشی، یکی از اصلی‌ترین بسترهای شکل‌دهنده نظام رفتاری کودکان است؛ زیرا برنامه‌درسی همان‌گونه که ادراک کودکان از حقوقشان را در زمینه‌های گوناگون رشد می‌دهد، به مسئول‌بودن در قبال حقوق خود و دیگران نیز کمک می‌کند و زمینه‌های لازم برای دسترسی به فرصت‌های گوناگون و انتخاب بیش‌تر را فراهم می‌آورد (Hägglund and Thelander, 2010). با توجه به این مهم، ورود مؤلفه‌های حقوق کودک به عناصر برنامه‌درسی دوره آموزش ابتدایی، به‌ویژه کتاب‌های درسی، از شیوه‌های مهم اشاعه حقوق کودک است؛ زیرا از یک‌سو، کودکان نخستین تجربه رسمی را، که سنگ بنای سازندگی شخصیت و درنهایت سازندگی اجتماع است، در همین سال‌های آغازین دوران ابتدایی کسب می‌کنند و از سوی دیگر، در الگوی نظام آموزش و پرورش ایران غالب فعالیت‌های آموزشی و پرورشی در چهارچوب کتاب درسی صورت می‌گیرد (ملکی، ۱۳۸۴). بدیهی است کتاب درسی از کارآمدترین ابزارهایی است که در انتقال مؤلفه‌های حقوق کودک به دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا می‌کند.

پاور و آلیسون (Power and Allison) بر این باورند که کتاب‌های درسی، به‌ویژه محتوای کتاب‌های *تعلیمات اجتماعی* باید در این زمینه نقش مهمی داشته باشند. واضح است که کتاب‌های *تعلیمات اجتماعی* باید بازتاب مسائل اجتماعی و فردی باشند تا دانش‌آموزان در فرایند نهادینه‌شدن شخصیتشان از وظایف و حقوق خود آگاهی یابند (Merey, 2012). مفاهیم کتاب *هدیه‌های آسمان*، به دلیل نماینده‌بودن تعالیم الهی و اسلامی و اشارات فراوان به مؤلفه‌های حقوق کودکان در آموزه‌های اسلامی و قرآنی، باعث می‌شود که حقوق کودکان مستقیماً در ذهنشان رسوخ یابد.

بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر این است که چه میزان از محتوای کتاب‌های درسی *تعلیمات اجتماعی* و *هدیه‌های آسمان* دوره آموزش ابتدایی درصدد ترویج و افزایش آگاهی دانش‌آموزان به مؤلفه‌های حقوق کودک است. برای دستیابی به این منظور، در بخش مبانی نظری مقاله، نخست به مفهوم کودک پرداخته شده است.

همان‌طور که می‌بینیم مفهوم کودک از بافت اجتماعی و تاریخی هر دوره زمانی متأثر است. در ادامه، به نظریه یکسانی حقوقی در برابر تفاوت حقوقی در ارتباط با اهمیت حقوق کودک و همچنین نظریه جان دیویی در باب ورود و آموزش مؤلفه‌های حقوق کودک در برنامه‌های درسی مدارس اشاره شده است. در بخش بعدی با مرور ادبیات

پژوهش به دسته‌بندی پژوهش‌های گذشته در قالب سه مقوله سیاست‌گزاری، جامعه‌شناختی و تربیتی پرداخته شده است و با اشاره به کاستی‌های موجود در ادبیات مربوط و مشخص کردن مخاطبان پژوهش به ضرورت و اهمیت پژوهش اشاره شده است. همان‌طور که در بخش روش پژوهش اشاره شد، مطالعات از نوع تحلیل محتوا بخشی از تدابیری است که به بازشناسی و ارزیابی وضعیت موجود متون درسی به لحاظ میزان توجه به مؤلفه‌های حقوق کودک کمک می‌کند. در قسمت پایانی مقاله، با اشاره به یافته‌های تحقیق، نتیجه‌گیری شده است که از پتانسیل‌های کتاب‌های بررسی‌شده برای آموزش و ترویج مؤلفه‌های حقوق کودک به نحو مطلوب استفاده نشده است.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

در پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک واژه کودک به فردی اطلاق می‌شود که کم‌تر هجده سال دارد. تعریف مفهوم کودک و سن کودکی در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است؛ از همین رو، زمینه بحث و پژوهش فراوانی را در سطح جهانی در پی داشته است.

به باور فریمن (Freeman, 2007) مفهوم کودک در طی زمان دچار دگرگونی فراوانی شده است. در قرون اخیر دنیا شاهد تکامل مفهوم کودک و تغییر عادت‌واره‌های ذهن بشری درباره مفهوم کودک از نگاهی ایستا به ساخت پویا و اجتماعی بوده است. برای اثبات این مدعا، فریمن به نقل از اریس (Aries, 1962) نشان داد که در گذشته دوران کودکی مرحله‌ای حیاتی از زندگی تلقی نمی‌شد. اریس در این باره شواهدی تاریخی، مانند بازنمایی هنری از کودکان، را ارائه کرد. او با تحقیق در نقاشی‌های قرن دوازدهم نشان داد که کودکان مینیاتوری از بزرگسالان بودند. علاوه بر این، مورخان ادبی، مانند کلو (Calve)، نشان دادند که کودکان در آثار ادبی گذشته، مانند جنگ‌جویان و سربازان شجاع توصیف شده‌اند. بر اساس این، می‌توان تصور کرد که در گذشته کودکان با ویژگی‌های بزرگسالانه توصیف می‌شدند. در قرون وسطی، تصویر مشخصی از کودک ارائه نشده است. فریمن (۲۰۰۲) بر این باور است که تمایز میان دوران کودکی و بزرگسالی منحصر به دوران معاصر است. او اگرچه در نوشته‌های مذهبی به مفهوم کودکی اشاراتی می‌کند، اما از قرن هفدهم و هجدهم میلادی با مطرح‌شدن دیدگاه ژان ژاک روسو کودکان جایگاه ویژه‌ای یافتند. به عبارتی، مفهوم امروزی کودک بر مبنای دیدگاه روسویی استوار است؛ بدین معنا که دنیای کودکان با بزرگسالان متفاوت است و باید در برابر آسیب‌ها از آنان محافظت شود. همین امر در قرن

نوزدهم باعث فراهم شدن زمینه‌ای برای توجه به حقوق قانونی کودکان و حمایت از کودکان و همچنین توجه والدین و دولت به حقوق کودکان شد. نکته مهم این است که تصور امروزی از مفهوم کودک متأثر از فاکتورهای گوناگونی مانند صنعتی شدن، سیاست‌های دولت و آموزش و پرورش بوده است. علاوه بر این، امروزه یافته‌های علمی بر تفاوت شناختی و ذهنی کودک و بزرگسال مهر تأیید زده است. به همین علت، به باور فرانکلین (۱۹۸۶) و فارسون (۱۹۸۷) مفهوم کودک مفهومی است که نمی‌توان با قاطعیت آن را تعریف کرد؛ زیرا این مفهوم طی تاریخ و در پاسخ به تقاضاهای اجتماعی - اقتصادی جامعه تکامل یافته است. بنابراین، می‌توان گفت که مفهوم کودک سازه‌ای اجتماعی است که طی زمان تغییر می‌کند (Smith, 2007).

نظریه‌های گوناگونی در ارتباط با حقوق کودک مطرح شده است. یکی از دموکراتیک‌ترین نظریه‌ها درباره حقوق کودک نظریه یکسانی حقوقی در برابر تفاوت حقوقی است. لیبرال‌ها یا طرفداران اصالت آزادی کودک، مانند فرانکلین (۱۹۸۶)، حالت (۱۹۷۵) و فارسون (۱۹۷۸) کودکان را از نظر بهره‌مندی از حقوق با بزرگسالان یکسان دانسته‌اند؛ از این‌رو، کودکان باید حقوقی مانند بزرگسالان داشته باشند. این نظریه، با باورداشتن توانایی کودکان در انتخاب عقلانی، بیان می‌کند که نهادهای مرتبط، از جمله تعلیم و تربیت، باید زمینه و فرصت‌های لازم برای مشارکت، آزادی و تصمیم‌گیری را فراهم کنند (Moosa-mitha, 2005).

از سوی دیگر، به باور طرفداران حامیان کودک، از جمله گلدستین (۱۹۷۱، ۱۹۸۰)، کودکان با بزرگسالان تفاوت دارند و حقوق کودکان را بر اساس وضعیت فعلی‌شان، هنگامی که هنوز به بزرگسالی نرسیده‌اند، تعریف می‌کنند؛ از این‌رو، برای کودکان حقوق مستقل قائل نیستند. به باور گلدستین، دوران کودکی به منزله مرحله‌ای طبیعی از زندگی، با بلوغ جسمی و عقلی نرسیدن، انتخاب‌های عقلانی نکردن و وابسته بودن به بزرگسالان مشخص می‌شود. وی بر این باور است که کودکان غیر از برخی حقوقی که بزرگسالان دارند هیچ حق و حقوقی ندارند. به باور حامیان حقوق کودک، به کارگیری تعریف مدنظر لیبرال‌ها از کودک، در حکم موجودی که حقوقی برابر با بزرگسالان دارد، فاجعه است؛ زیرا از کودکان انتظاراتی دارند که فراتر از ظرفیتشان است. اگرچه در این زمینه، برای قائل نشدن حقوق برای کودکان به علت سن کم و ناپختگی، پایین بودن ظرفیت شناختی و تجربه‌شان در مواجهه با محیط پیرامون دیدگاهی بیان کرده‌اند، اما دیدگاه طرفدار اصالت

آزادی کودک، علاوه بر رد دیدگاه قبلی، به قائل شدن حقوق برای کودکان و آموزش آن‌ها معتقد است؛ زیرا به باور آن‌ها آموزش حقوق به کودکان در کسب ظرفیت و پتانسیل لازم برای شهروندی خوب شدن و رشد و بلوغ رفتاری بیش‌تر در سطح جامعه نقش مهمی خواهد داشت و همین امر سبب فراهم آوردن فرصتی مناسب برای رشد کودک، انتخابش در جامعه، توانایی بیان و ارتباط به شیوه مؤثر و فرصتی برای رشد کودک خواهد بود (ibid; Freeman, 1998).

دیدگاه سوم و جدیدترین دیدگاه درباره حقوق کودکان، دیدگاه والدین - لیبرال‌محور (Freeman, 1992; 1999) است. این دیدگاه می‌کوشد راه میانه‌روتری میان دو دیدگاه مذکور برگزیند؛ از این‌رو، در میانه طیف نظریه‌های حقوق کودکان قرار دارد. در این دیدگاه تفاوت بزرگسالان با کودکان تأیید می‌شود، اما در مقوله‌های ثابت قرار نمی‌گیرد؛ به عبارتی، تفاوت کودکان با بزرگسالان را بر مبنای اصل (مورد به مورد) مشخص و تعریف می‌کند؛ یعنی بر اساس مراحل رشد سنی و ذهنی کودکان حقوق خاصی را تعیین می‌کند.

این گروه مفهوم کودکی را به‌مثابه سازه‌ای اجتماعی تعریف می‌کند که از روند تاریخی جامعه متأثر است، اما همانند گروه دوم بر آسیب‌پذیر بودن و وابستگی کودک به بزرگسالان تأکید دارد. از سوی دیگر، این گروه آزادی را به استقلال تفسیر می‌کند و به حق آزادی کودکان و تصمیماتشان در زندگی شخصی احترام می‌گذارد و از این نظر با گروه اول همخوان است. فریمن موضع خود را این‌گونه بیان می‌کند که کودکان را باید با برخورداری از ارزش برابر از انجام فعالیت‌های غیرقانونی محافظت کرد.

نظریه یکسانی حقوقی در برابر تفاوت حقوقی برای حق آزادی و مشارکت کودکان بینشی بدیهی ایجاد کرده است. این تئوری برای کودک خود «فعال» قائل است؛ اگرچه ممکن است در برخورد با شرایط انتخاب‌های عقلانی نداشته باشد، اما قطعاً پاسخ می‌دهد، مقاومت می‌کند و درباره نحوه تعامل با موقعیت‌های گوناگون اجتماعی دیدگاه‌های جدید دارد که باید به آن احترام گذاشته شود. بر اساس مطالب ذکر شده درباره حقوق کودک، آن چیزی که در این سه دیدگاه مشترک و مقبول است این است که دوران کودکی به‌منزله یکی از مهم‌ترین دوران زندگی تأیید می‌شود و باید به حقوق کودکان احترام گذاشت؛ چراکه توجه به حقوق کودکان در هر جامعه‌ای بیان‌گر پیشرفت فرهنگی آن جامعه است (Freeman, 2007). همه تئوری‌های مذکور، به جای آن‌که وارد جزئیات شوند و درباره کاربردهای آموزشی بحث کنند، بیش‌تر درباره داشتن یا نداشتن حقوق کودکان بحث

می‌کنند. در این زمینه تئوری جامعی که ضرورت توجه به حقوق کودکان در نظام آموزشی را تبیین می‌کند، نظریه جان دیویی است. هرچند که ایده‌های جان دیویی درباره نظریه حقوق نبوده است، اما ایده‌های او در ارتباط با حقوق مشارکت کودکان می‌تواند راه‌گشا باشد؛ زیرا اندیشه دموکراسی به شکل مشارکت‌جویانه‌اش در ارتباط با تعلیم و تربیت، رشد، کودکان و اندیشه‌های سیاسی و آموزشی تنظیم شده است (Bleazby, 2011). علاوه بر این، اندیشه‌های او به‌منزله فلسفه‌ای برای جنبش کودکان تعبیر می‌شود. فلسفه برای کودکان بر آموزش برای آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و صلح تمرکز ویژه‌ای دارد. از این‌رو، این نظریه می‌تواند از طریق اجرای تعهداتی که برای دانش‌آموزان، مدارس و معلمان به همراه دارد به آشنایی، به‌کارگیری و پیگیری حقوق دانش‌آموزان در جامعه کمک شایانی کند. به‌نظر جان دیویی مدرسه باید قالب کوچکی از جامعه باشد. ایجاد اجتماع پژوهشی (community of inquiry) در کلاس درس زمینه را برای پرورش شایستگی‌های انسانی، که لازمه ورود و زندگی در جامعه امروزی است، فراهم می‌کند. دیویی از لیبرالیسم سنتی، که تمامی تمرکزش بر فردگرایی شدید بود، انتقاد کرده است و فلسفه خود را بر کار گروهی و تأکید بر جامعه بنا نهاده است؛ زیرا معتقد است لیبرالیسم سنتی با تأکید شدید بر فردگرایی و حقوق فردی در استفاده از منابع، باعث رقابتی خشن در جامعه می‌شود و مروج زندگی به سبک جزیره‌ای است که ممکن است بسیاری از حقوق انسانی و شهروندی را پایمال کند. دیویی با احترام به تفاوت‌های فردی، به پرورش جامعه‌ای دموکرات و برخوردار از منش اخلاقی و انسانی تأکید دارد. دیدگاه وی برای افرادی که در جامعه وابسته و آسیب‌پذیرند، از جمله کودکان و افراد پیر و مریضی که نیازمند مراقبت‌اند، دلالت‌های سودمندی به همراه دارد (Te one and Dalli, 2010). ایده جان دیویی درباره این مسئله، در دو کلیدواژه «خود» و «رشد» نهفته است. به‌نظر جان دیویی محیط جامعه کاملاً اجتماعی و فرهنگی است و رشد افراد هم در گرو باورها و علایق دیگران است؛ از این‌رو، ضرورت تعامل با دیگران آشکار می‌شود. به‌نظر دیویی اجتماع پژوهشی در جامعه اهمیت بالایی دارد؛ چراکه مطرح‌شدن ایده‌ها و نقد آن سبب ظهور چشم‌اندازهای جدید و درنهایت رشد فردی خواهد شد. از نظر وی در جامعه مسائل مشترکی وجود دارد که لازمه آن بیان و سهیم‌شدن در ایده‌ها و آزمون آن‌ها و تشریح مساعی با دیگران است و این ارتباط و تعامل نیازمند رعایت حقوق خود و دیگران است. به دیگر سخن، از دیدگاه دیویی در جامعه دموکراتیک برای داشتن مشارکت اثربخش افراد باید به حقوق دیگران احترام

بگذارند؛ چراکه در حین این تعاملات است که حقوق افراد شکل می‌گیرد و محرک بسیار خوبی برای رعایت حقوق یک‌دیگر می‌شود. بر اساس این، توجه به حقوق مشارکت کودکان در مدارس سبب می‌شود دانش‌آموزان یاد بگیرند در برخورد با تفاوت افکار و دیدگاه‌ها و بروز مسائل، چگونه نظرات خود را بیان کنند و به حقوق یک‌دیگر احترام گذارند. ایجاد اجتماع پژوهشی در مدارس و کلاس و آموزش فرهنگ گفتمان سبب پرورش ارزش‌های انسانی در دانش‌آموزان خواهد شد. به‌نظر دیویی، مدرسه و برنامه درسی برای تحقق جامعه‌ای که همه افراد در احترام گذاشتن به حقوق خود و شهروندان می‌کوشند نقش بسزایی دارد. به باور وی یکی از کارکردهای مدرسه بحث جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان است. به باور دیویی مدرسه باید نمونه کوچکی از جامعه باشد تا از این طریق دانش‌آموزان را با مسائل جامعه و نحوه برخورد درست با آن آشنا کند و همچنین، مدارس و محتوای برنامه درسی، ساختار سازمانی و روش‌های تدریس باید به‌گونه‌ای چیدمان شود که ارزش‌های انسانی، از جمله آزادی بیان، حق مشارکت و احترام به تفاوت‌های فردی، را فراهم آورد تا زمینه‌ساز تحقق جامعه دموکراتیک شود (Bleazby, 2011; Thomas, 2007).

۳. مرور ادبیات

از زمان مطرح‌شدن پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با موضوع حقوق کودک و آموزش و پرورش انجام شده است. با مرور پژوهش‌های صورت‌گرفته، آن‌ها در قالب سه مقوله سیاست‌گذاری، جامعه‌شناختی و تربیتی خلاصه می‌شوند.

مقوله سیاست‌گذارانه پژوهش در قالب پژوهش‌هایی درباره معنا و مفهوم قانونی حقوق کودک (Bentley, 2005; Freeman, 2002)، اعطای حق و حقوق به کودکان (Bentley, 2007; Freeman, 2005)، چالش‌ها و تنگناهای اجرای پژوهش در ارتباط با حقوق کودک (هاگلند و تلندر، ۲۰۱۱)، تفسیرها و تعبیرهای گوناگون از حقوق کودکان در سطوح ملی و بین‌المللی (همان)، نظریه‌ها و حقوق کودکان (Freeman, 2002) و چگونگی تبلور حقوق کودک در اسناد و خط‌مشی‌های آموزشی (Te one and Dalli, 2010) خلاصه می‌شود.

در مقوله جامعه‌شناسانه به این دسته از پژوهش‌ها اشاره می‌شود: ساختار مدرسه و توزیع قدرت و مشارکت دانش‌آموزان در مدرسه (جنکیز، ۱۹۸۲؛ جیمز و پروت، ۱۹۹۰ به نقل از هاگلند و تلندر، ۲۰۱۱)، نظریه بازتولید اجتماعی (Mayall, 2000)، حقوق کودک، شهروندی و مشارکت (Thomas, 2007) و دموکراسی و صلح (Almog and Bendor, 2004).

در نهایت، این دسته از پژوهش‌ها در مقوله تربیتی جای می‌گیرند: دانش و ادراک دانش‌آموزان از حقوق کودک (Smith, 2007; Hart, 1992)، میزان آگاهی معلمان و مدیران از حقوق کودک (دبیری، ۱۳۸۹؛ اوزمان و همکاران، ۲۰۱۰)، مشارکت دانش‌آموزان و بهبود یادگیری (Howe and Covell, 2000)، حقوق کودک و روابط و رفتار مدیران، معلمان و دانش‌آموزان در مدرسه (Smith, 2007)، تفاوت‌های جنسیتی (اوزمان و یالکین، ۲۰۱۰)، آگاهی دانش‌آموزان از حقوق کودک (Smith, 2007; Te one and Dalli, 2010)، فضای مدرسه (Kassabri and Ariei, 2009) به نقل از اوزمان و همکاران، ۲۰۱۰)، حقوق اجتماعی و سیاسی کودک و کتاب‌های درسی (Kepinski, 2012).

ادبیات مربوط به میزان توجه به مؤلفه‌های حقوق کودک در کتاب‌های درسی بسیار ضعیف است و تاکنون هیچ پژوهشی همه مؤلفه‌ها را بررسی نکرده است. یافته‌های پژوهش حاضر در غنی‌سازی پژوهش تربیتی در زمینه حقوق کودک می‌کوشد و این امر بر ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر می‌افزاید. از سوی دیگر، یافته‌های تحقیق به بالابردن آگاهی و توجه برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی برای اتخاذ تصمیمات بهتر و مقتضی‌تر در زمینه حقوق کودک کمک شایانی می‌کند. از این‌رو، هدف کلی این پژوهش بررسی مؤلفه‌های حقوق کودک در محتوای کتاب‌های درسی *تعلیمات اجتماعی* و *هدیه‌های آسمان* دوره آموزش ابتدایی ایران است. بر طبق هدف اصلی تحقیق باید به پرسش‌های ذیل پاسخ داده شود:

۱. در کتاب‌های *تعلیمات اجتماعی* دوره ابتدایی چه میزان به مؤلفه‌های حقوق کودک اشاره شده است؟
۲. توزیع فراوانی مؤلفه‌های حقوق کودک در کتاب‌های *تعلیمات اجتماعی* در پایه‌های دوره ابتدایی چگونه است؟
۳. در کتاب‌های *هدیه‌های آسمان* و *کتاب کار* دوره ابتدایی چه میزان به مؤلفه‌های حقوق کودک اشاره شده است؟
۴. توزیع فراوانی مؤلفه‌های حقوق کودک در کتاب‌های *هدیه‌های آسمان* و *کتاب کار* در پایه‌های دوره ابتدایی چگونه است؟
۵. میزان توجه به مؤلفه‌های حقوق کودک در کتاب‌های بررسی شده چه حد است؟
۶. توزیع فراوانی مؤلفه‌های حقوق کودک در کتاب‌های بررسی شده بر حسب پایه‌های ابتدایی چگونه است؟

۴. روش پژوهش

با توجه به هدف تحقیق روش پژوهش توصیفی از نوع تحلیل محتوا بوده است. این روش در پژوهش‌های علوم رفتاری، به‌ویژه روان‌شناسی و علوم تربیتی، برای بررسی‌های مربوط به محتوای کتاب‌های درسی به‌کار برده می‌شود (گال و دیگران، ۱۳۸۳). همچنین در این پژوهش مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش از ادبیات نظری با محور قرار دادن مواد پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک شناسایی شده است. مؤلفه‌ها و شاخص‌های حاصل در جدول ۱ آمده است. جدول ذیل، مبین ۹ مؤلفه و ۳۰ شاخص در خصوص حقوق کودک است که محور اصلی بررسی محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی و هدیه‌های آسمان دوره آموزش ابتدایی در تحقیق حاضر قرار گرفت.

جدول ۱. مؤلفه و شاخص‌های حقوق کودک به همراه موارد مربوط در پیمان‌نامه جهانی کودک

مؤلفه‌های حقوق کودک	مواد پیمان‌نامه جهانی کودک	شاخص‌ها
عدم تبعیض	(ماده ۲)	تعلق حقوق کودک به همه کودکان بدون هیچ‌گونه تبعیض
رعایت منافع کودکان	(ماده ۳)	اولویت منافع کودک در تمامی اقدامات و در برخورداری از هر نوع تسهیلات
حق زیست و رشد	(ماده ۶، ۷، ۸)	رعایت حقوق طبیعی کودک برای زندگی و وظیفه دولت‌ها در تأمین بقا و رشد کودک، حق برخورداری کودک از نام و ملیت و وظیفه دولت‌ها در حمایت از هویت کودک
بهادادن به دیدگاه‌های کودک	(ماده ۱۲ و ۱۳)	حق کودک برای بیان آزادانه عقاید خود و کسب اطلاعات بدون توجه به مرزها
حق برخورداری از حمایت	(ماده ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۳۳ تا ۴۰)	توجه ویژه به مراقبت و حمایت کودکان، توجه ویژه به کودکان معلول و بی‌سرپرست، حمایت از کودکان در برابر استفاده از مواد مخدر، حمایت از کودکان در برابر هر نوع سوءاستفاده جنسی، حمایت از کودکان در برابر هر نوع استثمار و بهره‌کشی، منع شکنجه و حبس ابد در مورد کودک، حق دسترسی او به مشاوره حقوقی، حمایت از کودکان آسیب‌دیده بر اثر جنگ و بدرفتاری
حق مشارکت و آزادی‌های مدنی	(ماده ۱۴ تا ۱۷)	وظیفه دولت‌ها در احترام به آزادی اندیشه و مذهب کودک، حق کودکان برای تشکیل اجتماعات و پیوستن به آن‌ها، خودداری از دخالت در امور خصوصی و خانوادگی کودکان، دسترسی کودکان به اطلاعات مناسب و محافظت آنان در برابر اطلاعات زیان‌بار
حق تأمین	(ماده ۵ و ۹)	حقوق و مسئولیت‌های والدین در پرورش کودکان، حق کودک برای زندگی با والدین و ارتباط با آنان در صورت جدایی

مسئولیت مشترک والدین در رشد و پرورش کودک با مساعدت دولت‌ها، حق برخورداری کودک از بیمه و تأمین اجتماعی، وظیفه والدین و دولت‌ها در فراهم کردن سطح زندگی مناسب	(مواد ۱۸، ۲۶، ۲۷)	حق برخورداری از بهداشت
حق برخورداری کودک از سطح مناسب آموزش و پرورش و امکانات آموزش ابتدایی رایگان، رشد شخصیت و استعدادهاى کودک و آماده‌ساختن او برای زندگی فعال، حق برخورداری آنان از فرهنگ خود و انجام اعمال مذهبی و حق برخورداری کودک از بازی، تفریح و فعالیت‌های فرهنگی و هنری	(ماده ۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰)	حق برخورداری از آموزش، تفریحات سالم و انجام فعالیت‌های فرهنگی

۵. جامعه و نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش همه کتاب‌های درسی دوره ابتدایی شامل ۴۶ جلد کتاب درسی دوره ابتدایی در ده عنوان فارسی (بخوانیم)، فارسی (بنویسیم)، علوم، هدیه‌های آسمان، هدیه‌های آسمان (کتاب کار)، قرآن، کار و فناوری، تفکر و پژوهش، ریاضی و تعلیمات اجتماعی سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ است. سه عنوان تعلیمات اجتماعی، هدیه‌های آسمان، هدیه‌های آسمان (کتاب کار) و در مجموع، چهارده جلد کتاب دوره ابتدایی، که با هدف و موضوع پژوهش تناسب بیش‌تری داشتند، انتخاب شدند.

۶. ابزار اندازه‌گیری و واحد تحلیل

ابزار گردآوری داده‌ها چک‌لیست تحلیل محتوای کتاب‌های درسی محقق بوده است که بر اساس ۹ مؤلفه و ۳۰ شاخص حقوق کودکان ساخته شده است. چک‌لیست مذکور دو قسمت، شامل مؤلفه و شاخص‌های حقوق کودک در کتاب‌های درسی و بخش دوم با عنوان میزان توجه کتاب (فراوانی) به مؤلفه و شاخص‌های مذکور بوده است. واحد تحلیل این پژوهش صفحه (متن، پرسش‌ها، تمرین‌ها و تصاویر) است.

۷. ضریب قابلیت اعتبار

برای تعیین اعتبار ابزار از نوع پایایی، از تکنیک اجرای مجدد استفاده شد (دلاور، ۱۳۸۳: ۱۲۷). بدین‌صورت که فرم نهایی تهیه‌شده همزمان و مجزا در اختیار تحلیل‌گر و متخصص محتوای دیگری نیز قرار داده شد که چند واحد درسی از برخی کتاب‌ها را تحلیل کند. پژوهش‌گر اصلی و متخصص مذکور ضریب هم‌بستگی داده‌های حاصل از تحلیل‌های انجام‌شده را هم‌زمان محاسبه کردند که نتیجه بین ضریب هم‌بستگی ۰/۸۷ بود.

۸. شیوه تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تحلیل محتوا و پردازش و تحلیل نتایج کتاب از روش آنتروپی شانون، که برگرفته از تئوری سیستم‌هاست، استفاده شد (آذر، ۱۳۸۰). آنتروپی در تئوری اطلاعات شاخصی است برای اندازه‌گیری عدم اطمینان که از طریق توزیع احتمال بیان می‌شود. بر اساس این روش، که به مدل جبرانی مشهور است، محتوای کتاب‌های درسی بررسی شده از نقطه نظر شش پاسخ‌گو (پایه‌های دوره ابتدایی) و نه مؤلفه هدف طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل شدند.

۹. یافته‌های پژوهش

اطلاعات حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش به تفکیک پرسش‌های اصلی پژوهش به تفصیل در ذیل آمده است.

۱. در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی چه میزان به مؤلفه‌های حقوق کودک اشاره شده است؟

جدول ۲. توزیع فراوانی مقوله‌های تحقیق در صفحات تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی

حقوق بهره‌مندی از آموزش	حقوق برخورداری از بهداشت	حقوق تأمین	حقوق مشارکت	حقوق برخورداری از حمایت	بهادادن به دیدگاه‌های کودک	حقوق زیست و رشد	رعایت منابع کودکان	عدم تبعیض	باید / مؤلفه
۶	۱	۰	۰	۲	۴	۱	۰	۰	سوم
۸	۲	۴	۱	۰	۰	۲	۰	۱	چهارم
۲	۱	۰	۵	۴	۰	۰	۰	۱	پنجم
۵	۰	۰	۳	۰	۳	۰	۰	۰	ششم
۲۱	۴	۴	۹	۶	۷	۳	۰	۲	جمع کل

جدول ۲ نشان می‌دهد که در مجموع ۴۹۳ صفحه تعلیمات اجتماعی، ۲ فراوانی به مؤلفه عدم تبعیض، ۳ فراوانی به حقوق زیست و رشد، ۷ فراوانی به بهادادن به دیدگاه‌های کودک، ۶ فراوانی به حقوق برخورداری از حمایت، ۹ فراوانی به حقوق مشارکت، ۴ فراوانی به حقوق تأمین، ۴ فراوانی به حقوق برخورداری از بهداشت، ۲۱ فراوانی به حقوق برخورداری از آموزش اشاره

کردند و به مؤلفه رعایت منافع کودکان هیچ توجهی نشده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از طریق روش آنتروپی شانون (جدول ۲) نتایج زیر را نشان می دهد:



نمودار ۱. ضریب اهمیت مقوله های سؤال شده در تحقیق در صفحات کتاب *تعلیمات اجتماعی*

بر اساس ضرایب اهمیت به دست آمده از فراوانی ها بیشترین ضریب اهمیت در صفحات *تعلیمات اجتماعی* مربوط به مؤلفه حق برخورداری از بهداشت با ضریب ۰/۱۶۵ و کمترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه های رعایت منافع کودکان و حق تأمین با ضریب ۰/۰۰۰ است.

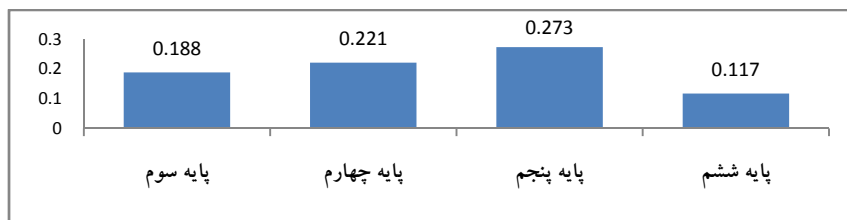
۲. توزیع فراوانی مؤلفه های حقوق کودک در کتاب های *تعلیمات اجتماعی* در پایه های دوره ابتدایی چگونه است؟

جدول ۳. توزیع فراوانی مقوله های تحقیق در صفحات *تعلیمات اجتماعی* بر حسب پایه های دوره ابتدایی

مؤلفه / پاسخ گو	پایه سوم	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم
عدم تبعیض	۰	۱	۱	۰
رعایت منافع کودکان	۰	۰	۰	۰
حق زیست و رشد	۱	۲	۰	۰
بهادادن به دیدگاه های کودک	۴	۰	۰	۳
حق برخورداری از حمایت	۲	۰	۴	۰
حق مشارکت و آزادی های مدنی	۰	۱	۵	۳
حق تأمین	۰	۴	۰	۰
حق برخورداری از بهداشت	۱	۲	۱	۰
حق بهره مندی از آموزش	۶	۸	۲	۵
جمع کل	۱۴	۱۸	۱۳	۱۱

جدول ۳ مؤلفه‌های تحقیق در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی را به تفکیک پایه‌های دوره آموزش ابتدایی نشان می‌دهد؛ در پایه سوم ۱۴ فراوانی، پایه چهارم ۱۸ فراوانی، پایه پنجم ۱۳ فراوانی و پایه ششم ۱۱ فراوانی به مؤلفه‌های حقوق کودک اشاره داشته‌اند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از طریق روش آنتروپی شانون (جدول ۳) نتایج زیر را نشان می‌دهد:



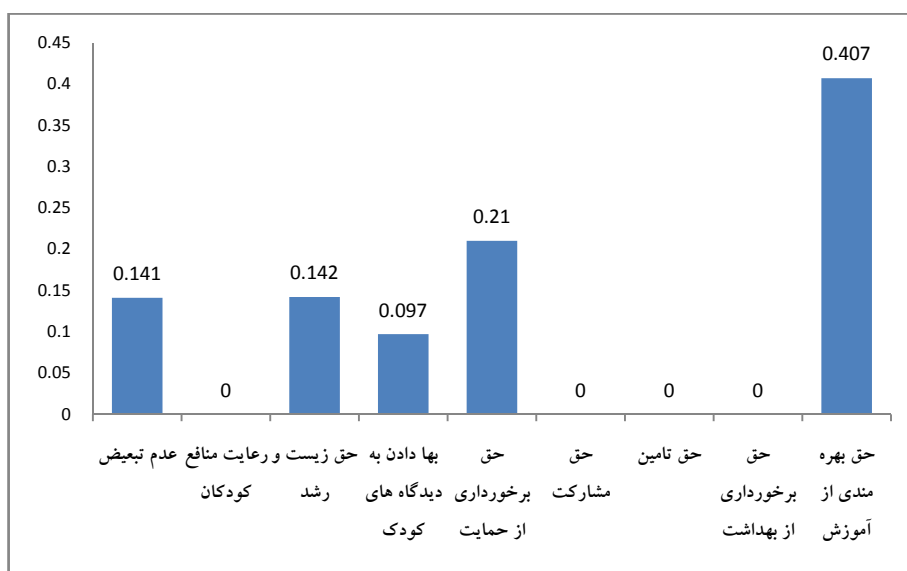
نمودار ۲. ضریب اهمیت مقوله‌های سؤال شده در تحقیق در صفحات کتاب تعلیمات اجتماعی به تفکیک پایه بر اساس ضرایب اهمیت به دست آمده از فراوانی‌ها بر حسب پایه‌ها، بیشترین ضریب اهمیت مربوط به پایه پنجم با ضریب ۰/۲۷۳ و کمترین ضریب اهمیت مربوط به پایه ششم با ضریب ۰/۱۱۷ است.

۳. در کتاب‌های هدیه‌های آسمان و کتاب کار دوره ابتدایی چه میزان به مؤلفه‌های حقوق کودک اشاره شده است؟

جدول ۴. توزیع فراوانی مقوله‌های تحقیق در صفحات هدیه‌های آسمان و کتاب کار دوره ابتدایی

پایه/مؤلفه	علم تبیین	رعایت منافع کودکان	حقوق زیست و رشد	بهادادن به دیدگاه‌های کودک	حقوق برخورداری از حمایت	حقوق مشارکت	حقوق تأمین	حقوق برخورداری از بهداشت	حقوق بهره‌مندی از آموزش
دوم	۱	۱	۲	۰	۱۱	۰	۲	۰	۴
سوم	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۱
چهارم	۰	۰	۱	۳	۲	۰	۰	۰	۲
پنجم	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۴
ششم	۱	۰	۰	۲	۲	۰	۰	۰	۵
جمع کل	۳	۱	۴	۵	۱۹	۰	۲	۱	۱۴

جدول ۴ نشان می‌دهد که در مجموع ۶۷۳ صفحه هدیه‌های آسمان و کتاب کار، ۳ فراوانی به مؤلفه عدم تبعیض، ۱ فراوانی به رعایت منافع کودک، ۴ فراوانی به مؤلفه حق زیست و رشد، ۵ فراوانی به بهادادن به دیدگاه‌های کودک، ۱۹ فراوانی به حق برخورداری از حمایت، ۲ فراوانی به حق تأمین، ۱ فراوانی به حق برخورداری از بهداشت و ۱۴ فراوانی به حق بهره‌مندی از آموزش اشاره کرده‌اند و به مؤلفه حق مشارکت و آزادی‌های مدنی هیچ توجهی نشده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده از طریق روش آنتروپی شانون (جدول ۴) نتایج زیر را نشان می‌دهد:



نمودار ۳. ضریب اهمیت مقوله‌های سؤال‌شده در تحقیق در صفحات هدیه‌های آسمان و کتاب کار

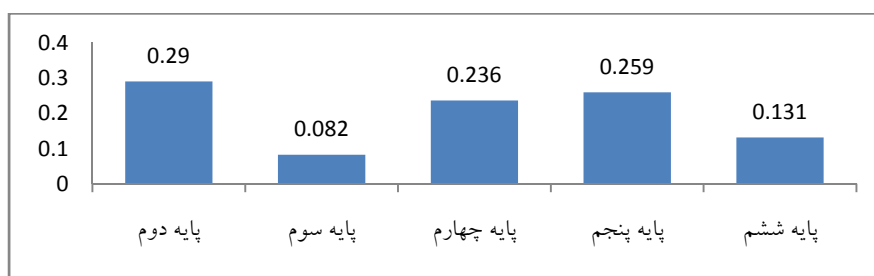
بر اساس ضرایب اهمیت به‌دست آمده از فراوانی‌ها، بیش‌ترین ضریب اهمیت در صفحات هدیه‌های آسمان و کتاب کار، مربوط به مؤلفه حق بهره‌مندی از آموزش با ضریب ۰/۴۰۷ و کم‌ترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه‌های رعایت منافع کودکان، حق تأمین، حق مشارکت و حق برخورداری از بهداشت با ضریب ۰/۰۰۰ است.

۴. توزیع فراوانی مؤلفه‌های حقوق کودک در هدیه‌های آسمان و کتاب کار در پایه‌های دوره ابتدایی چگونه است؟

جدول ۵. توزیع فراوانی مقوله‌های تحقیق در صفحات هدیه‌های آسمان و کتاب کار بر حسب پایه‌های دوره ابتدایی

مؤلفه / پاسخ‌گو	پایه دوم	پایه سوم	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم
عدم تبعیض	۱	۰	۰	۱	۱
رعایت منافع کودکان	۱	۰	۰	۰	۰
حق زیست و رشد	۲	۰	۱	۱	۰
بهادادن به دیدگاه‌های کودک	۰	۰	۳	۰	۲
حق برخورداری از حمایت	۱۱	۳	۲	۱	۲
حق مشارکت و آزادی‌های مدنی	۰	۰	۰	۰	۰
حق تأمین	۲	۰	۰	۰	۰
حق برخورداری از بهداشت	۰	۰	۰	۱	۰
حق بهره‌مندی از آموزش	۳	۱	۲	۳	۵
جمع کل	۲۰	۴	۸	۷	۱۰

جدول ۵ مؤلفه‌های تحقیق در هدیه‌های آسمان و کتاب کار را به تفکیک پایه‌های دوره آموزش ابتدایی نشان می‌دهد؛ در پایه دوم ۲۰ فراوانی، پایه سوم ۴ فراوانی، پایه چهارم ۸ فراوانی، پایه پنجم ۷ فراوانی و پایه ششم ۱۰ فراوانی به مؤلفه‌های حقوق کودک اشاره داشته‌اند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده از طریق روش آنتروپی شانون (جدول ۵) نتایج زیر را نشان می‌دهد:



نمودار ۴. ضریب اهمیت مقوله‌های سؤال‌شده در تحقیق در صفحات هدیه‌های آسمان و کتاب کار به تفکیک پایه‌ها

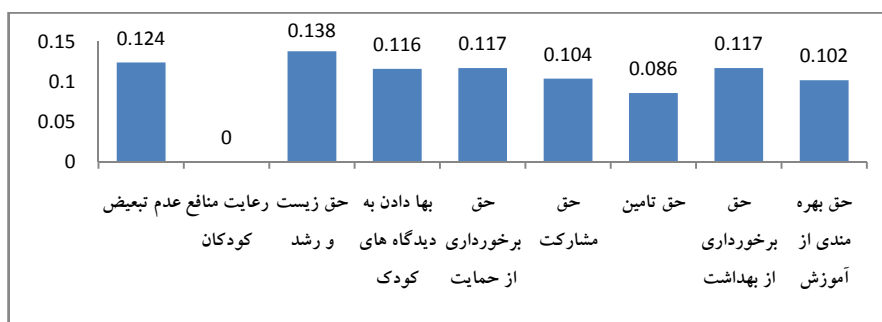
بر اساس ضرایب اهمیت به‌دست آمده از فراوانی‌ها بر حسب پایه‌ها، بیش‌ترین ضریب اهمیت، مربوط به پایه دوم با ضریب اهمیت ۰/۲۹ و کم‌ترین ضریب اهمیت، مربوط به پایه سوم با ضریب اهمیت ۰/۰۸۲ است.

۵. میزان توجه به مؤلفه‌های حقوق کودک در کتاب‌های بررسی شده چقدر است؟

جدول ۶. توزیع فراوانی مقوله‌های تحقیق در صفحات تعلیمات اجتماعی و هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی

پایه/مؤلفه	علم تبعیض	رعایت منافع کودکان	حقوق زیست و رشد	بهدادن به دیدگاه‌های کودک	حقوق برخورداری از حمایت	حقوق مشارکت	حقوق تأمین	حقوق برخورداری از بهداشت	حقوق بهره‌مندی از آموزش
دوم	۱	۱	۲	۰	۱۱	۰	۲	۰	۳
سوم	۰	۰	۱	۴	۵	۰	۰	۱	۷
چهارم	۱	۰	۳	۳	۲	۱	۴	۲	۱۰
پنجم	۲	۰	۱	۰	۵	۵	۰	۲	۵
ششم	۱	۰	۰	۵	۲	۳	۰	۰	۱۰
جمع کل	۵	۱	۷	۱۲	۲۵	۹	۶	۵	۳۵

جدول بالا، نشان می‌دهد در مجموع ۱۱۶۶ صفحه تعلیمات اجتماعی و هدیه‌های آسمان، ۵ فراوانی به مؤلفه عدم تبعیض، ۱ فراوانی به رعایت منافع کودک، ۷ فراوانی به مؤلفه حقوق زیست و رشد، ۱۲ فراوانی به بهدادن به دیدگاه‌های کودک، ۲۵ فراوانی به حقوق برخورداری از حمایت، ۹ فراوانی به حقوق مشارکت، ۶ فراوانی به حقوق تأمین، ۵ فراوانی به حقوق برخورداری از بهداشت و ۳۵ فراوانی به حقوق بهره‌مندی از آموزش اشاره کرده‌اند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده از طریق روش آنتروپی شانون (جدول ۶) نتایج زیر را نشان می‌دهد:



نمودار ۵. ضریب اهمیت مقوله‌های سؤال‌شده در تحقیق در همه صفحات تعلیمات اجتماعی و هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی

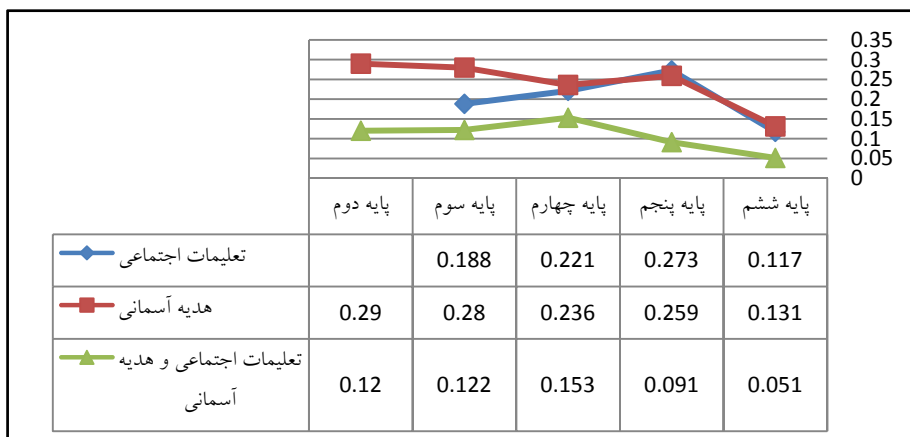
بر اساس ضرایب اهمیت به دست آمده از داده‌های خام، در همه صفحات دو کتاب بررسی شده، بیش‌ترین ضریب اهمیت، مربوط به مؤلفه حق زیست و رشد با ضریب ۰/۱۳۸ و کم‌ترین ضریب اهمیت، مربوط به مؤلفه رعایت منافع کودکان با ضریب ۰/۰۰۰ است.

۶. توزیع فراوانی مؤلفه‌های حقوق کودک در کتاب‌های بررسی شده بر حسب پایه‌های ابتدایی چگونه است؟

جدول ۷. توزیع فراوانی مقوله‌های تحقیق در صفحات تعلیمات اجتماعی و هدیه‌های آسمان بر حسب پایه‌های دوره ابتدایی

مؤلفه / پاسخ‌گو	پایه دوم	پایه سوم	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم
عدم تبعیض	۱	۰	۱	۲	۱
رعایت منافع کودکان	۱	۰	۰	۰	۰
حق زیست و رشد	۲	۱	۳	۱	۰
بهادادن به دیدگاه‌های کودک	۰	۴	۳	۰	۵
حق برخورداری از حمایت	۱۱	۵	۲	۵	۲
حق مشارکت و آزادی‌های مدنی	۰	۰	۱	۵	۳
حق تأمین	۲	۰	۴	۰	۰
حق برخورداری از بهداشت	۰	۱	۲	۲	۰
حق بهره‌مندی از آموزش	۳	۷	۱۰	۵	۱۰
جمع کل	۲۰	۱۸	۲۶	۲۰	۲۱

جدول ۷ مؤلفه‌های تحقیق در صفحات تعلیمات اجتماعی و هدیه‌های آسمان را به تفکیک پایه‌های دوره آموزش ابتدایی نشان می‌دهد؛ در پایه دوم ۲۰ فراوانی، پایه سوم ۱۸ فراوانی، پایه چهارم ۲۶ فراوانی، پایه پنجم ۲۰ فراوانی و پایه ششم ۲۱ فراوانی به مؤلفه‌های حقوق کودک اشاره داشته‌اند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از طریق روش آنتروپی شانون (جدول ۷) نتایج زیر را نشان می‌دهد:



نمودار ۶. ضریب اهمیت مقوله‌های سؤال‌شده در تحقیق در همه صفحات تعلیمات اجتماعی و هدیه‌های آسمان به تفکیک پایه‌ها

بر اساس ضرایب اهمیت به دست آمده از فراوانی‌ها بر حسب پایه‌ها، بیش‌ترین ضریب اهمیت مربوط به پایه چهارم با ضریب اهمیت ۰/۱۵۳ و کم‌ترین ضریب اهمیت مربوط به پایه ششم با ضریب اهمیت ۰/۰۵۱ است.

۱۰. نتیجه‌گیری

این مقاله، بر این نکته تأکید دارد که ترویج مؤلفه‌های حقوق کودک در نظام آموزشی امری ضروری است. از دانش‌آموزانی که از حقوقشان اطلاعی ندارند نباید انتظار آگاهی و مهارت بهره‌مندی از حقوقشان در سطح جامعه را داشته باشیم. داشتن دانش‌آموزان آگاه، مسئول و برخوردار از مهارت جهت به‌کارگیری حقوقشان در جامعه، به فراهم کردن و ورود مؤلفه‌های حقوق کودک در برنامه‌های درسی بستگی فراوان دارد. از این رو، کودکان آگاه به حقوق خود علاوه بر رعایت حقوق خود به حقوق دیگران نیز احترام می‌گذارند و همین امر باعث داشتن جامعه‌ای سالم و تداوم حیات اجتماعی جامعه خواهد شد. با توجه به این مهم هدف اصلی پژوهش مشخص کردن جایگاه مؤلفه‌های حقوق کودک در کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی و هدیه‌های آسمان و کتاب کار دوره ابتدایی است. نتایج نشان داد از اصول علمی سازمان‌دهی محتوا در ارتباط با موضوع تحقیق در کتاب‌های بررسی شده استفاده نشده است. برای درک بهتر به تشریح یافته‌های تحقیق خواهیم پرداخت.

بیش‌ترین ضریب اهمیت در صفحات تعلیمات اجتماعی مربوط به مؤلفه حق برخورداری از بهداشت با ضریب ۰/۱۶۵ و کم‌ترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه‌های رعایت منافع کودکان و حق تأمین با ضریب صفر است. بر اساس اصل مداومت سازمان‌دهی محتوا، اگر برنامه درسی تعلیمات اجتماعی درصدد انتقال مؤلفه‌های حقوق کودک به دانش‌آموزان باشد، باید مؤلفه‌های تحقیق در طی پایه‌های تحصیلی تکرار شود. بر اساس جدول ۲، که نمایان‌گر توزیع فراوانی‌هاست، گفتنی است اصل مداومت برای بیش‌تر مؤلفه‌های تحقیق در محتوای کتاب درسی تعلیمات اجتماعی رعایت نشده است. بر اساس این، می‌توان استنباط کرد که چیدمان توزیع فراوانی مؤلفه‌های حقوق کودک تصادفی بوده است. این امر زمانی پررنگ‌تر می‌شود که نمودار ۱ را، که بیان‌گر چگونگی پراکندگی فراوانی است، مرور کنیم. همان‌طور که اشاره شد، بر اساس اصل مداومت - بر اساس تحول شناختی و ذهنی دانش‌آموزان - باید بر میزان تکرار و عمق مؤلفه‌های تحقیق در طول پایه‌ها اضافه شود؛ یعنی محتوای برنامه درسی پایه ششم باید مؤلفه‌های حقوق کودک را به مراتب بیش‌تر و عمیق‌تر انعکاس دهد و یافته‌های تحقیق بیان‌گر رعایت نکردن این اصل است. پایه ششم نه‌فقط کم‌ترین میزان توجه به مؤلفه‌های حقوق کودک را دارد، بلکه توزیع فراوانی آن‌ها هم متناوب نیست. همه این عوامل بیان‌گر تصادفی بودن توزیع فراوانی مؤلفه‌های حقوق کودک در محتوای کتاب درسی تعلیمات اجتماعی است.

از سوی دیگر، بر اساس نمودار ۲، درباره هدیه‌های آسمان می‌توان گفت بیش‌ترین ضریب اهمیت در صفحات هدیه‌های آسمان و کتاب کار، مربوط به مؤلفه حق بهره‌مندی از آموزش با ضریب ۰/۴۰۷ و کم‌ترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه‌های رعایت منافع کودکان، حق تأمین و حق برخورداری از بهداشت با ضریب صفر است که بیان‌گر نبود توجهی جامع به مؤلفه‌های تحقیق در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان و کتاب کار است. برای مثال، توزیع فراوانی مؤلفه عدم تبعیض، رعایت منافع کودکان و دیگر مؤلفه‌ها، بر اساس اصل مداومت سازمان‌دهی نشده است. این مسئله برای تمامی مؤلفه‌های تحقیق به تفکیک پایه در نمودار ۲ به‌خوبی ملموس است. توزیع و تناوب فراوانی‌های مؤلفه‌های حقوق کودک، همانند کتاب درسی تعلیمات اجتماعی هدف‌مند نیست؛ بر همین اساس از میزان اثربخشی محتوای برنامه درسی هدیه‌های آسمان در انتقال موضوع تحقیق به دانش‌آموزان می‌کاهد.

نکته مهم ديگر اين مقاله اين است که بيش ترين ضريب اهميت در دو کتاب بررسي شده، مربوط به مؤلفه حق زيست و رشد با ضريب ۰/۱۳۸ و کم ترين ضريب اهميت مربوط به مؤلفه رعايت منافع کودکان با ضريب صفر است. بر اساس اصل ديگر سازمان دهی محتوا، يعنی وحدت، فعاليت های يادگيري بايد به گونه ای تنظيم شوند که دانش آموز نظری مشکل و هماهنگ با موضوع مطالعه شده بيابد. در تعليمات اجتماعي از يک سو، بيش ترين ضريب اهميت مربوط به مؤلفه حق برخورداري از بهداشت، در هديه های آسمان مربوط به مؤلفه حق بهره مندی از آموزش و در هر دو کتاب، مربوط به مؤلفه حق زيست و رشد است. از سوی ديگر، در تعليمات اجتماعي حق بهداشت بالاترين ضريب اهميت و همين مؤلفه در هديه های آسمان بدون ضريب اهميت است که بيان گر مرتبط نبودن و هماهنگ نبودن مطالب ارائه شده با مؤلفه های حقوق کودک در کتاب های بررسي شده بر اساس اصل وحدت است.

کاستی مهم ديگر اين است که در کتاب های بررسي شده به مؤلفه رعايت منافع کودکان توجهی نشده است. در صورتی که تأکيد اصلي پيمان نامه حقوق کودک بر محوريت قراردادن کودک در بهره مندی از حمايت های ویژه در همه شرايط است. قانون بايد برای کودک امکانات و وسايل ضروري برای پرورش بدنی، فکری، اخلاقی و اجتماعي به نحوی سالم و طبعی و در محيطی آزاد فراهم کند. در وضع قوانينی بدین منظور منافع کودکان بايد بالاترين اولويت را داشته باشد. کودک بايد در هر شرايطی جزو اولين کسانی باشد که از حمايت و تسهيلات بهره مند می شود.

يافته مهم ديگر اين تحقيق توزيع نشدن متوازن و متعادل مؤلفه های حقوق کودک در طول پایه های تحصيلی در دو کتاب بررسي شده است. همان طور که نمودار ۶ نشان می دهد، کتاب های پایه ششم از لحاظ توجه به مؤلفه های حقوق کودک در برابر پایه های ديگر ضعيف تر عمل کرده اند. نکته واضح اين است که هر چه به پایه های بالاتر می رويم، ميزان توجه به مؤلفه های حقوق کودک کم تر می شود. به عبارتی، ميزان توجه به مؤلفه های حقوق کودک و پایه های تحصيلی ضريب هم بستگی معکوس وجود دارد و می توان اين گونه استنباط کرد که مؤلفان کتب درسی در انعکاس فرهنگ حقوق کودک در پایه های ابتدایی، به ویژه در کتاب های درسی پایه پنجم و ششم، چندان موفق عمل نکرده اند؛ محتوای کتاب های درسی بر مبنای اصول علمی سازمان دهی محتوا تنظيم نشده اند و نیازمند بازنگری جدی و اصولی در ارتباط با موضوع تحقيق اند. با توجه به ادبيات بررسي شده برای

مقایسه با یافته‌های تحقیق حاضر، فقط دو پژوهش مرتبط وجود دارد. یافته‌های به‌دست آمده با یافته‌های پژوهش کپنکسی (۲۰۱۰) و مری (۲۰۱۰) مبنی بر نداشتن توجه جامع و هماهنگ به مؤلفه‌های حقوق کودک در کتاب‌های درسی همخوان است. نکته مهم دیگر این مقاله گزاره و مفاهیم موجود در محتوای کتاب‌های درسی است. بیش‌تر گزاره‌ها به‌صورت دانش مفهومی سامان‌دهی شده‌اند تا دانش عملی و روشی. به دیگر سخن، به جای این‌که مطالب ارائه‌شده دانش‌آموزان را وادار به تفکر، تعقل و با موضوع درگیر کند، آنان را به حفظ کردن مطالب سوق می‌دهد و موقعیتی برای فعالیت و تجربه کودک فراهم نمی‌آورد. همچنین، به شاخص‌های مؤلفه‌های حقوق کودک در کتاب‌های بررسی شده چندان توجه نشده است. برای مثال، از میان شاخص‌های مؤلفه حق بهره‌مندی از آموزش، بیش‌تر به شاخص حق برخورداری کودک از سطح مناسب آموزش و پرورش اشاره شده است یا از میان شاخص‌های مؤلفه حق برخورداری از حمایت، بیش‌تر به شاخص‌های توجه ویژه به کودکان معلول و بی‌سرپرست و توجه ویژه به مراقبت و حمایت کودکان توجه شده است و به دیگر شاخص‌ها توجه نشده است. نکته درخور تأمل این‌که از میان درس‌های متعدد این کتاب‌ها، حتی یک درس با عنوان حقوق کودک وجود ندارد که مستقیماً مؤلفه‌های حقوق کودک را هدف قرار دهد. از این‌رو، استنباط می‌شود که از پتانسیل‌های کتاب‌های درسی به نحو مطلوب استفاده نشده است. نتیجه دیگری که می‌توان از این تحقیق استنباط کرد، کاربرد نظریه جان دیویی است. جان دیویی بر این باور است که یکی از کارکردهای مدرسه، بحث جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان است و معتقد است مدرسه باید نمونه کوچکی از جامعه باشد تا از این طریق دانش‌آموزان را با مسائل جامعه و نحوه برخورد درست با مسائل آشنا کند. محتوای برنامه درسی مدارس باید به‌گونه‌ای چیدمان شود که ارزش‌های انسانی، از جمله آزادی بیان، حق مشارکت و احترام به تفاوت‌های فردی فراهم شود تا زمینه‌ساز تحقق مؤلفه‌های حقوق کودک در سعی و عمل کودکان شود، اما یافته‌های تحقیق نشان داد که به مؤلفه‌های حقوق کودک در محتوای کتب درسی بررسی شده به‌گونه‌ای متوازن و جامع توجه نشده است و بیش‌تر گزاره‌های اشاره‌شده در محتوا جنبه توصیفی دارد تا جنبه عملی. از این‌رو، می‌توان استنباط کرد که محتوای برنامه درسی تعلیمات اجتماعی و هدیه‌های آسمان نمی‌تواند مؤلفه‌های حقوق کودک را در دانش‌آموزان پرورش دهد. بنابراین، بهترین شیوه برای پرورش مؤلفه‌های حقوق کودک در دانش‌آموزان توجه به دانش عملی و تجربه‌شده

در محتوای برنامه درسی با هدف درگیر ساختن یادگیرنده با موقعیت‌های عملی است تا بدین ترتیب، ضمن آشناسدن با مؤلفه‌های حقوق کودک تمایل به حضور و ایفای عملی آن را نیز کسب کند.

شایان ذکر است که نقش محتوای کتب درسی در شناساندن حقوق کودکان به دانش‌آموزان نقشی حیاتی و بی‌بدیل است. یافته‌ها از سامان‌دهی نشدن مؤلفه‌های حقوق کودک به صورت علمی در محتوای دو کتاب بررسی شده نشان دارد. با توجه به این‌که الگوی رفتاری و نقش اجتماعی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی در حال شکل‌گیری و تثبیت شدن است، ضرورت دارد طراحان و برنامه‌ریزان درسی توجه شایسته‌ای به موضوع حقوق کودکان در کتاب‌های درسی داشته باشند تا دانش‌آموزان از این طریق به شهروندانی هوشیار و آگاه، به حقوق خود و مسئولیتی که در قبال خود و دیگران در جامعه دارند، تبدیل شوند و به‌مرور در پایه‌های تحصیلی گوناگون ارزش‌ها و اصول حقوق کودک در دانش‌آموزان درونی و نهادینه شود. ذکر این نکته ضروری است که اشاره به مؤلفه‌های حقوق کودک در محتوای کتاب‌های درسی، فقط یکی از عوامل متعدد در نظام آموزش عمومی در آشناسازی حقوق کودکان به دانش‌آموزان است. بنابراین، نقش برنامه درسی پنهان، دیدگاه معلمان، روابط مدیران، معلمان و دانش‌آموزان با یک‌دیگر و فرهنگ حاکم بر مدرسه، همه به نوعی راه‌گشا یا مانع ترویج و نهادینه‌سازی هدف پژوهش فوق در دانش‌آموزان می‌شود. از این‌رو، این مسائل در کنار پژوهش در کتاب‌های درسی مقاطع دیگر تحصیلی و مقایسه مقاطع تحصیلی با یک‌دیگر نیاز به پژوهش بیش‌تری دارد.

منابع

- آذر، عادل (۱۳۸۰). «بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوی»، فصلنامه علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، س ۱۱، ش ۳۷-۳۸.
- دبیری، عذرا (۱۳۸۹). «بررسی میزان آگاهی مدیران آینده مدارس کشور از حقوق کودکان»، مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، ش ۲.
- دلاور، علی (۱۳۸۳). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: رشد.
- زینالی، حمزه (۱۳۸۹). «جهانی‌شدن اصل حمایت ویژه از کودکان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۳۵.
- قاسم‌زاده، فاطمه (۱۳۸۱). «سمینار کودک با نیازهای ویژه»، مجله رفاه اجتماعی، ش ۵.
- قاضی، قاسم (۱۳۶۹). «حقوق کودکان در ایران و جهان»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، ش ۴۸.

گال، مردیت، والتر بورگ و جوئیس گال (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران، تهران: سمت.
ملکی، حسن (۱۳۸۶). برنامه‌ریزی درسی، مشهد: پیام اندیشه.
نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۰). «گفتمان پیمان حقوق کودک در زمینه پیشگیری از بزهکاری»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، ش ۲.

- Bleazby, j (2011). "A Deweyien Notion of Children's Participation Rights and its Implications for Education", *Conference Presentation in Philosophy of Education Society of Australasia, Australasia*.
- Freeman, M. (1998). "The Sociology of Childhood and Children's Rights", *The International Journal of Children's Rights*, Vol. 6, No.4.
- Freeman, M. (2002). *Human Rights*, Oxford: Polity Press.
- Freeman, M. (2007). "Why it Remains Important to Take Children's Rights Seriously", *International Journal of Children's Rights*, Vol. 15.
- Kepenekci, Y. K. (2010). "Children's Social Rights in Social Studies Textbooks in Turkish Elementary Education", *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol. 2, No. 2.
- Merey, Z. (2012). "Political Rights in Social Studies Textbooks in Turkish Elementary Education", *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol. 46.
- Moosa-mitha, M. (2005). "A Difference-Centred Alternative to Theorization of Children's Citizenship Rights", *Citizenship Studies*, Vol. 9, No. 4.
- Smith, A. B. (2007). "Children and Young People's Participation Rights in Education", *The International Journal of Children's Rights*, Vol. 15.
- Smith, A. B. (2007). "Children's Rights and Early Childhood Education: Links to Theory and Advocacy", *Australasian Journal of Early Childhood*, Vol. 32, No. 3.
- Te One, S. and C. Dalli (2010). "The Status of Children's Rights in Early Childhood Education Policy 2009", *New Zealand Annual Review of Education*, Vol. 20.
- Thomas, N. (2007). "Towards a Theory of Children's Participation", *International Journal of Children's Rights*, Vol. 15.